



دانشگاه گوارن کوردی و نطق می گنگ

نشریه کارآفرینی در کشاورزی
جلد اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۳
<http://jead.gau.ac.ir>

بررسی نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی

فرشته فرجی^۱، *تهمینه احسانی‌فر^۲، نادر نادری^۳ و بیژن رضایی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مدیریت کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد گروه مدیریت کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی

^۳ استادیار گروه مدیریت کارآفرینی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۸

چکیده

کارآفرینی به‌عنوان یک راهبرد برای توسعه کشورها، ایجاد اشتغال و رفاه، شناخت فرصت‌های مناسب و افزایش تولید به حساب می‌آید، چرا که نوآوری‌های آن تقاضاهایی برای محصولات و خدمات جدیدی که قبلاً وجود نداشتند به بار می‌آورد و در نتیجه عرضه محصولات جدید را افزایش خواهد داد و موجب افزایش اشتغال و بهبود وضعیت زندگی افراد جامعه خواهد شد. همانطور که آمارها نیز نشان می‌دهند در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، کسب و کارهای کوچک و متوسط سهم به‌سزایی در تولید ناخالص داخلی کشورها دارند به طوری که در ایالات متحده بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی و صادرات، توسط کسب و کارهای کوچک و متوسط صورت می‌گیرد. امروزه دولت‌ها و سازمان‌ها به کارآفرینی اهمیت بیشتری می‌دهند و راه شکوفایی اقتصادی را در گروی توسعه کارآفرینی می‌دانند. بنابراین با توجه به این که کارآفرینی یکی از عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی یک جامعه به شمار می‌آید، هدف از این مقاله، بررسی مختصری از مفاهیم کارآفرینی و توسعه اقتصادی با تأکید بر نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی با استفاده از مدل ارائه شده توسط توما و همکاران می‌باشد که بر برخی از عوامل اصلی درگیر در رابطه بین کارآفرینی و توسعه اقتصادی تأکید می‌ورزد در مدل ارائه شده در مقاله اشاره می‌شود که، برای دستیابی به توسعه اقتصادی در

*مسئول مکاتبه: tahmineh.ehsanifar@gmail.com

جامعه باید فعالیت‌های کارآفرینی پایا ایجاد کنیم و برای ایجاد چنین فعالیت‌هایی باید از آموزش، سنت کارآفرینی، زیر ساخت و حمایت‌های دولتی استفاده کنیم تا توسعه اقتصادی محقق شود.

واژه‌های کلیدی: کارآفرین، کارآفرینی، توسعه، توسعه اقتصادی.

مقدمه

ویژگی بارز اقتصاد معاصر، تغییرات سریع است. لذا کشورهایی می‌توانند در چنین اقتصادی موفق باشند که قابلیت تطبیق با این تغییرات را داشته باشند. اگر نگاهی بر سیر تاریخی نظریات توسعه اقتصادی داشته باشیم، درمی‌یابیم که جدیدترین این نظریات تاکید دارند که توسعه صنعت و پیشرفت در اقتصاد جامعه مبتنی بر تغییر ایده‌ها و خلق نوآوری‌ها است و بدون قرار گرفتن در صف پیشروان علم و نوآوری، هیچ کشوری در پیمودن سریع مسیر توسعه موفق نخواهد بود. طبیعی است که بارزترین ابزاری که می‌تواند ما را به این مقصود برساند، کارآفرینی است (نعیمی و همکاران، ۲۰۰۸). در نظام اقتصادی مبتنی بر کارآفرینی، نوآوران و صاحبان فکر و ایده، سرمایه‌های اصلی یک بنگاه اقتصادی و از عوامل اصلی توسعه پایدار محسوب می‌شوند. کارآفرینی با توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها رابطه تنگاتنگی دارد و امروزه یکی از شاخص‌های توسعه در کشورهای روبه رشد محسوب می‌شود. به دلیل نقش و جایگاه ویژه کارآفرینان در روند پیشرفت و رشد اقتصادی جامعه، بسیاری از دولت‌ها در کشورهای توسعه یافته و پیشرو تلاش می‌کنند با حداکثر امکانات و بهره‌برداری از دستاوردهای تحقیقاتی، شماری از افراد جامعه را که دارای ویژگی‌های کارآفرینی هستند به آموزش کارآفرینی و فعالیت‌های کارآفرینانه هدایت کنند.

تقویت کارآفرینی و ایجاد بستر مناسب برای توسعه اقتصادی از ابزار پیشرفت اقتصادی کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه است. براساس بیانیه‌ی جهانی کارآفرینی، یک همبستگی قوی میان رشد اقتصاد ملی و سطح فعالیت کارآفرینانه‌ی ملی و سازمانی وجود دارد (خنیفر و وکیلی، ۲۰۰۸). از دیدگاه شومپتری، فرآیند کارآفرینی یکی از عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی یک منطقه یا کشور است و براساس نظر کرزنر، در توسعه اقتصادی، کارآفرین به جای اینکه فرصت‌ها را خلق کند، به آنها واکنش نشان می‌دهد و در پی نیل به سود فرصت‌ها است تا خلق فرصت‌ها (کرزنر، ۱۹۷۳).

آمارها نشان می‌دهند در ایالات متحده، کسب و کارهای کوچک و متوسط^۱ بیش از نیمی از محصول ناخالص داخلی را تولید می‌کنند و بیش از ۵۰ درصد کل صادرات هم توسط شرکت‌های با کمتر از ۲۰ کارمند به اجرا می‌رسد. در آسیا نیز اقتصادهای با بهترین عملکرد (تایوان، هنگ کنگ و غیره) به شدت وابسته به شرکت‌های کوچک‌اند. بیش از ۸۰ درصد کل کارکنان ژاپنی در کسب و کارهای کوچک و متوسط کار می‌کنند. در این شرکت‌ها دست کم ۹ کارمند مشغول به کارند. در قیاس با ۴ کارمند در اتحادیه اروپا، در آلمان، شرکت‌هایی با کمتر از ۵۰۰ کارمند، دو سوم تولید ناخالص داخلی^۲ را تولید می‌کنند. از هر ۱۰ نفر تازه کار ۹ نفر را آموزش می‌دهند و از هر ۵ کارگر ۴ نفر را استخدام می‌کنند. در سال‌های اخیر، کارآفرینی به منبع اصلی اشتغال‌زایی بدل شده است و منجر به رشد اقتصادی و رفاه ملی گشته است (توما و همکاران، ۲۰۱۳).

اما در کشور ما به رغم تلاش‌هایی که در جهت توسعه کارآفرینی انجام شده است، در عمل رشد مناسب و پایداری در زمینه توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک و متوسط مشاهده نمی‌شود. متأسفانه بسیاری از کارآفرینان در ایران با موانعی همچون دگرگونی سیاست‌های دولت و به‌کارگیری سیاست‌های سلیقه‌ای، ناسالم بودن محیط کسب و کار، بی‌ثباتی مدیران و کارفرمایان دولتی، وجود قوانین نامناسب و غیرحمایتی، نبود اطمینان محیطی، فقدان زیرساخت‌های تجاری، عدم حمایت هنجارهای اجتماعی و فرهنگی از کارآفرینی، نامناسب بودن بازار و بهره‌بالای وام‌های بانکی روبرو هستند، که فضای نامساعد کسب و کار را پیش روی آنها قرار داده است (قبادی و قدرتی، ۲۰۱۰).

در این راستا نظر به اهمیت ویژه کارآفرینی در دنیای امروز و تاثیر آن بر اوضاع جامعه به خصوص وضعیت اقتصادی به نظر می‌رسد که تحقیق و بررسی درباره نقش کارآفرینی در توسعه اقتصادی امری ضروری باشد، چرا که با توجه به شرایط اقتصادی کشور، کارآفرینی را می‌توان راه‌حلی برای بهبود اوضاع اقتصادی جامعه به شمار آورد. این مقاله سعی دارد در مسیر هدف فوق به بررسی تاثیر کارآفرینی و ارتباط آن با توسعه اقتصادی بپردازد.

مفهوم کارآفرینی: صدها تعریف برای مفاهیم کارآفرین و کارآفرینی وجود دارد. از زمان انتشار اولین نوشته‌ها درباره کارآفرینی، هیچ‌گاه توافقی جامع بر سر تعریف این مفهوم وجود نداشته است زیرا

1- Small and Medium Enterprises (SME)

2- Gross Domestic Product (GDP)

کارآفرینی پدیده‌ای چند بعدی است و به عنوان یک فرآیند، منبع یا وضعیت به شمار می‌آید (نائود، ۲۰۱۳).

از دیدگاه جی بی سی، کارآفرین منابع اقتصادی را از عرصه‌هایی با مزایای پایین و تولید اندک تغییر می‌دهد و به سمت عرصه‌هایی با مزایای بالا سوق می‌دهد. از نظر شومپتر کارآفرینان نه تنها نوآور می‌باشند، بلکه هماهنگ کننده‌ی تولید هستند. او عنوان کرد که کارآفرینی تحت پنج شرط رخ می‌دهد: کالاهای نو، روش‌های تولید نو، روش‌های توزیعی نو، منابع و مواد نو یا سازمان‌های جدید (شومپتر، ۱۹۱۱).

از دید شومپتر، فرآیند کارآفرینی، یکی از عوامل کلیدی در توسعه اقتصادی یک منطقه یا کشور است. کریزر عنوان کرد که در توسعه اقتصادی، کارآفرین به‌جای این که فرصت‌ها را خلق کند، در پی این است که به فرصت‌های سودآور برسد (کریزر، ۱۹۷۳). گیلدر عنوان کرد کارآفرین کسی است که از قوانین پنهان اقتصاد آگاه می‌باشد و باعث پیشرفت می‌شود. علاوه بر این، وی با خلق مشاغل جدید، با فقر مبارزه می‌کند. کارآفرینی فعالیتی هدفمند برای ایجاد، حفظ و توسعه یک کسب و کار، با هدف بدست آوردن سود است (کول، ۱۹۶۸). برخی دیگر، از کارآفرین تصویر قهرمانی را ترسیم می‌کنند که چالش‌های اقدام کارآفرینانه را بر عهده می‌گیرد (تورنتون و همکاران، ۲۰۱۱)، عده‌ای دیگر تعریف کلی‌تری از کارآفرینی ارائه می‌کنند، آن‌ها معتقدند کارآفرینی پاسخی نوآورانه و خلاقانه به محیط است که می‌تواند در انواع زمینه‌های اجتماعی، آموزشی، صنعتی و کشاورزی رخ دهد (پاندتی، ۲۰۰۵).

مفهوم توسعه اقتصادی: توسعه و توسعه یافتگی اقتصادی از مفاهیمی هستند که صاحب نظران در مورد تعریف و معنای دقیق آن‌ها اتفاق نظر دارند. پیش از هرچیز می‌بایست به ارتباط میان رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی اشاره کرد. رشد اقتصادی شرط لازم توسعه یافتگی است. توسعه اقتصادی از مفاهیمی است که اغلب با مفهوم رشد اقتصادی یکی شمرده می‌شود در حالی که بین این دو مفهوم تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. رشد اقتصادی دربرگیرنده شاخص‌های کمی اقتصادی است، لکن توسعه اقتصادی متضمن فرآیندهای پیچیده‌تری است، به گونه‌ای که این مفهوم با مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی نزدیک‌تر است تا مفهوم رشد اقتصادی (هاشمی، ۲۰۰۷). واضح است که بدون رشد، توسعه‌ای اتفاق نمی‌افتد. نکته قابل توجه این است که اقتصاددانان اولیه رشد را معادل توسعه می‌دانستند، یعنی اعتقاد داشتند که رشد اقتصادی در نهایت به توسعه منتهی نمی‌شود، حال آن‌که تجربه به ما نشان داده است که توسعه به‌طور قطع نتیجه رشد اقتصادی نیست. برای مثال می‌توان

به اقتصادهایی اشاره کرد که سهم منابع طبیعی در ایجاد ارزش افزوده اقتصادی در آن‌ها قابل توجه است، نظیر اقتصاد ایران که متکی بر نفت است.

توسعه اقتصادی عبارت است از کاربرد منابع تولیدی به نحوی که موجب رشد بالقوه مداوم درآمد سرانه در یک جامعه شود، و بیان شد که توسعه اقتصادی فرآیندی است که طی آن مبانی علمی و فنی تولید از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن تغییر می‌یابند (غفاری، ۲۰۰۴)، بعضی دیگر توسعه را چنین تعریف کرده‌اند «گذار از یک جامعه سنتی به یک جامعه مدرن، یا تبدیل کالاهای لوکس به کالاهای ضروری». در جایی دیگر از توسعه چنین تعریف شده است: «ایجاد رشد اقتصادی به همراه صنعتی‌تر شدن اقتصاد». این تعریف اولاً متضمن وجود رشد اقتصادی است اما بیان می‌کند که رشد اقتصادی در صورتی سبب توسعه یافتگی خواهد شد که سهم بخش‌های صنعتی به نسبت بخش کشاورزی افزایش یابد (همان منبع). به‌طورکلی توسعه اقتصادی سه عرصه مهم زیر را شامل می‌شود:

۱- سیاست‌هایی که دولت برای رفع اهداف گسترده شامل کنترل تورم، اشتغال‌زایی و رشد پایدار اتخاذ می‌کند.

۲- سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای ارائه خدمات شامل احداث بزرگراهها، مدیریت پارک‌ها و ارائه دسترسی پزشکی به افراد محروم

۳- سیاست‌ها و برنامه‌هایی که هدف اصلی آن‌ها بهبود فضای تجاری از طریق تلاش‌های تخصصی، تامین مالی تجاری، بازاریابی، توسعه مناطق مجاور، حفظ و توسعه تجاری، انتقال فناوری، توسعه املاک و سایر موارد می‌باشد (توما و همکاران، ۲۰۱۳).

اهمیت کارآفرینی در توسعه اقتصادی: در اهمیت کارآفرینی همین بس که طی بیست سال بین سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۶۰ در هند به عنوان یک کشور جهان سوم، ۵۰۰ موسسه کارآفرینی شروع به کار کرده‌اند و حتی بسیاری از شرکت‌های بزرگ جهان برای حل مشکلات خود به کارآفرینان روی آورده‌اند (غفاری، ۲۰۰۴). کارآفرینی به عنوان یکی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال به منظور حل مسأله‌ی بیکاری، به افراد کارآفرین نیازمند است (همان منبع).

کارآفرینان پیشگامان موفقیت‌های تجاری در جامعه هستند و همواره نقش مهمی در پیشرفت جوامع داشته‌اند. آن‌ها از نظر رهبری، مدیریت، نوآوری، کارایی، ایجاد شغل، رقابت، بهره‌وری و تشکیل شرکت‌های جدید، سهم مهمی در رشد اقتصادی دارند. کارآفرینان و سازمان‌های کارآفرین همواره سعی می‌کنند تا هزینه‌های خود را به حداقل برسانند، با توجه به منابع موجود برنامه‌ریزی

می‌کنند و در مقابل آنچه که نمی‌دانند به آنچه که دارند می‌اندیشند. به همین جهت ریسک پذیرند، تحمل ابهام را دارند و به تحقیقات ارجح می‌نهند. لازم است که در جوامع گوناگون انقلاب کارآفرینی رخ دهد به گونه‌ای که این انقلاب در قرن حاضر، اهمیتی به مراتب بیشتر از اهمیت انقلاب صنعتی دارد. با توجه به موارد ذکر شده کارآفرین می‌تواند با کارآفرینی خود اهداف ذیل را دنبال کند (احمدپورداریانی، ۲۰۰۵).

ارائه کالای جدید، ارائه روش جدید در فرآیند تولید، گشایش بازاری جدید، یافتن منابع جدید، ایجاد هر گونه تشکیلات جدید در صنعت

افراد کارآفرین نقش مهمی در حرکت چرخ‌های توسعه اقتصادی برعهده دارند و منشاء تحولات بزرگ در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی در سطح سازمان‌ها محسوب می‌شوند (برزوکی و همکاران، ۱۳۸۵). دستیابی به آرمان‌های سند چشم‌انداز بیست ساله که جایگاه شایسته‌ای را برای کشور فراهم می‌کند و هم‌چنین حل مشکلات فعلی جامعه نیز تنها از طریق اجرای استراتژی توسعه کارآفرینی و به تعبیری جایگزینی اقتصاد کارآفرینی بجای اقتصادی نفتی امکان‌پذیر است. بدون توجه به نقش کارآفرینی در توسعه کشور، تحقق هدف‌های سند چشم‌انداز بیست ساله امکان‌پذیر نیست و تلاش‌های در حال انجام را ناکام می‌گذارد و با ادامه وضع موجود، همچنان منابع را به هدر می‌دهد و حجم و پیچیدگی مشکلات را اضافه می‌کند. بنابراین توجه به موضوع کارآفرینی و تدوین و اجرای برنامه ملی توسعه کارآفرینی برای کشور به دلایل زیر بسیار حیاتی است:

- ❖ عامل افزایش سرمایه‌گذاری و به تبع آن افزایش سود و سرمایه‌ی سرمایه‌گذاران است.
- ❖ سبب ایجاد فرصت‌های تازه در بازار کار و راهکار مؤثری در ایجاد اشتغال مولد و پایدار در کشور است.
- ❖ موجب دگرگونی ارزش‌ها و تحول ماهیت آن‌ها می‌شود و ارزش‌های تازه‌ای بوجود می‌آورد.
- ❖ موجب آسان شدن روند رشد و توسعه کشور می‌شود.
- ❖ محیط و شرایط لازم را برای تولید کالاها، محصولات و بازاریابی آن‌ها فراهم می‌سازد.
- ❖ سبب پیدایش محصولات، خدمات، روش‌ها، سیاست‌ها، افکار و راهکارهای نو برای حل مشکلات جامعه می‌شود.
- ❖ عامل تقویت و تکامل صنایع داخلی است و زمینه رقابت صنایع داخلی با صنایع خارجی را فراهم می‌آورد و منجر به افزایش صادرات و دریافت ارز برای کشور می‌شود.

❖ باعث رقابت، تقویت و تکامل صنایع مشابه داخلی با یکدیگر و سرانجام موجب بهبود و افزایش سطح کیفیت کالاها می‌شود.

کارآفرینی به عنوان سمبل و نماد تلاش موفقیت در امور تجاری بوده و کارآفرینان پیشگامان موفقیت‌های تجاری در جامعه هستند توانایی آن‌ها در بهره‌گیری از فرصت‌ها، نیروی آن‌ها در بهره‌گیری از فرصت‌ها، نیروی آنها در نوآوری و ظرفیت آن‌ها در قبال موفقیت، به عنوان معیارهایی هستند که کارآفرینی نوین به وسیله آن‌ها سنجیده می‌شود (احمدپورداریانی، ۲۰۰۵).

ارتباط بین کارآفرینی و توسعه اقتصادی: چرخ‌های توسعه اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می‌آیند (قبادی، ۲۰۱۰). توسعه کسب و کار پیش نیاز توسعه اقتصادی است. در فرآیند توسعه کسب و کارهای کوچک و متوسط یا کسب و کارهای بزرگ و توسعه کسب و کارها توسط نهاد دولت و نظایر آن، نیازمند کارآفرین و روحیه کارآفرینی هستیم. در مرحله راه اندازی کسب و کارها نیازمند کارآفرینان خواهیم بود زیرا آن‌ها به دلیل داشتن ویژگی‌های منحصر به فرد می‌توانند بهتر از هر فرد دیگری کسب و کارها را راه اندازی کنند. در واقع کارآفرینان بهترین گزینه برای تاسیس شرکت‌های موفق هستند، بنابراین کارآفرینی به عنوان فرآیندی که می‌تواند به عنوان یک ویژگی شخصی در فرد یا عنوان یک ویژگی سازمانی در یک شرکت کوچک و متوسط یا بزرگ متجلی شود، نیاز ضروری نظام‌های اقتصادی در حال توسعه و حتی توسعه یافته است (احمدپورداریانی، ۲۰۰۵). کارآفرینی به عنوان راهبردی توسعه محور در محیط اقتصادی در حال تغییر امروز اهمیت خاصی یافته است، "به ویژه در دهه گذشته که در آن صاحب نظران، به تعداد محدود تغییر موقعیت شرکت‌ها و رقابت حاصل از این امر در عرصه کسب و کار اشاره کرده‌اند" (آس و ژرب، ۲۰۱۰). با توجه به این که امروزه نیروی انسانی به عنوان یک منبع نامحدود و محور هر نوع توسعه مطرح می‌باشد (الوانی، ۲۰۰۷)، می‌توان گفت "کارآفرینان می‌توانند با ساده‌سازی تخصیص مجدد منابع از کاربری‌های نه چندان بهره‌ور به کاربری‌های بهره‌ور، به توسعه اقتصادی کمک کنند" (ژیرمائی و همکاران، ۲۰۱۱). بنابر گفته هارپر، فرآیند توسعه اقتصادی "نتیجه کلی و غیر عمد مجموعه‌ای از اقدامات اختصاصی برای کشف کارآفرینی است" (هارپر، ۲۰۰۳).

سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و سیاستمداران توجه بیشتری به کارکرد کارآفرینی در ایجاد توسعه اقتصادی مبذول داشته‌اند. کارشناسان اقتصادی، رویکرد سنتی خود در توسعه اقتصادی که عمدتاً مبتنی

بر استخدام شرکت‌های بزرگ از طریق تشویق‌های مختلف مالی و پولی است را رها کرده‌اند. امروزه آن‌ها عمدتاً بر کسب و کارهای کوچک و متوسط و تجارت‌های جدید به نسبت گذشته تمرکز نموده‌اند. کارآفرینی امروزه در سراسر جهان نه تنها به عنوان ساز و کاری کلیدی به منظور ارتقای توسعه اقتصادی به شمار آمده است بلکه به عنوان راه‌حلی مطلوب نیز در نظر گرفته می‌شود زیرا شیوه‌های جدیدی را برای افزایش سود، اشتغال‌زایی و ارتقای رشد دآمد سرانه به بار می‌آورد (شین، ۲۰۰۵). به همین دلیل، کارآفرینان باید برای نیل به موفقیت، به منابع و بازارها دسترسی داشته باشند و در همین شرایط است که سیاست‌های ملی نقش مهم و حیاتی را ایفا می‌کنند (کرسل و لنتو، ۲۰۱۲).
دو نقش مهم کارآفرینی در رشد و توسعه اقتصادی عبارتند از:

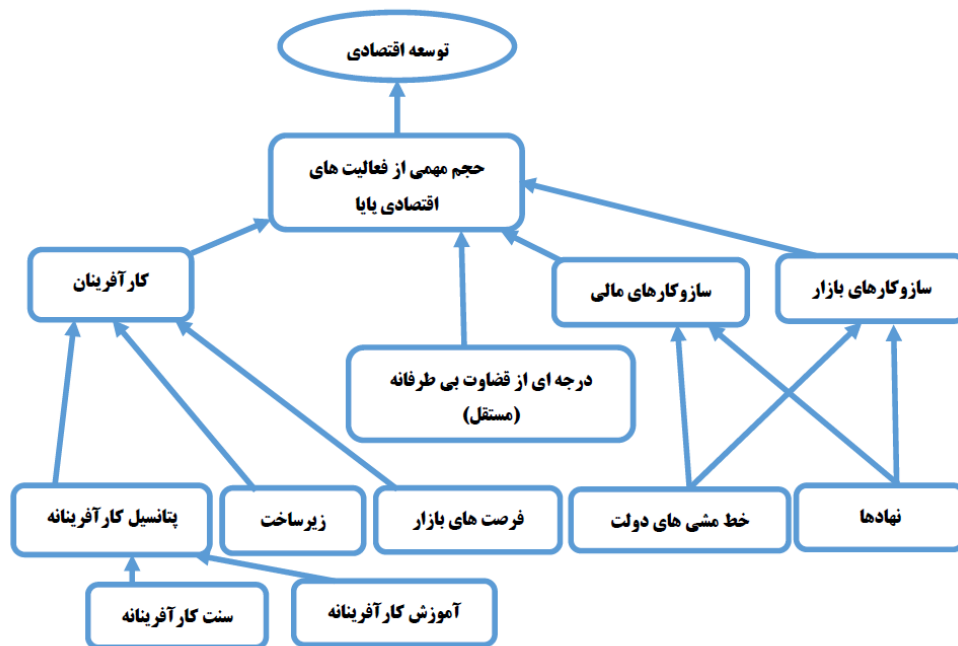
اول، راه جدید، و دوم تازگی. اولاً، کارآفرین پایه‌گذار یک تجارت جدید است: فردی که یک شرکت جدید تجاری را تاسیس و سپس شاید سازماندهی و عملیاتی می‌سازد، خواه این شرکت نوآورانه عمل کرده باشد یا خیر. ثانیاً، کارآفرین نقش نوآورانه کلی‌تری در زندگی اقتصادی ایفا می‌کند: کارآفرین در نقش نوآور و به عنوان فردی که اختراعات و ایده‌ها اقتصادی زیادی دارد قادر به تاسیس یک شرکت هم می‌باشد (ونکرز و توریک، ۱۹۹۹). بنابراین، تازگی در راه‌اندازی و نوآوری، مهم‌ترین عواملی هستند که کارآفرینی را به رشد اقتصادی پیوند می‌دهند.

مدل توما و همکاران: تبیین رابطه کارآفرینی و توسعه اقتصادی: کارآفرینی مهم است، زیرا مکانیزمی اقتصادی است که از طریق آن ناکارآمدی‌های اقتصادی شناسایی و تقلیل می‌یابند (باوم و همکاران، ۲۰۰۷). طبق نظر سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ (۱۹۹۸) کارآفرینی از اهمیتی حیاتی در کارکرد اقتصادهای بازار برخوردار است. کارآفرینی عنصری حیاتی عمدتاً در اقتصادهای در حال رشد است زیرا نوآوری‌های آن تقاضاهایی برای محصولات و خدمات جدیدی که قبلاً وجود نداشتند به بار می‌آورد (کرسل و لنتو، ۲۰۱۲). اداره کسب و کارهای کوچک ایالات متحده (۱۹۹۸) عنوان می‌کند: "معیار اساسی آزادی اقتصادی و رفاه، خلق مداوم شرکت‌های جدید و کوچک در تمامی بخش‌های اقتصاد توسط تمامی بخش‌های جامعه است."

بر اساس مدل (ارائه شده در شکل ۱) عوامل محرک پتانسیل کارآفرینی یا به صورت ذاتی وجود دارند و یا اکتسابی خواهند بود. در این مدل سنت کارآفرینی به عنوان عامل ذاتی ایجاد پتانسیل

1- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

کارآفرینی به شمار می‌رود که اغلب به صورت موروثی و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد این عامل مهم در بروز رفتار کارآفرینانه منجر به پیشرفت سریع‌تر برخی از جوامع نسبت به جوامع دیگر گشته است. عامل محرک دیگر آموزش‌های کارآفرینانه به افراد است که می‌تواند نقش مهمی در تقویت قابلیت کارآفرینانه در جوامع ایفا کند. در جوامع پیشرو در زمینه فعالیت‌های کارآفرینی این موضوع به خوبی مشاهده می‌شود که این کشورها با سرمایه‌گذاری‌های خود در امر آموزش مهارت‌های کارآفرینانه توانسته‌اند قابلیت‌های کارآفرینانه افراد جامعه خویش را به نحو مطلوبی تقویت نمایند. پتانسیل کارآفرینانه در صورتی موجب بروز رفتارهای کارآفرینانه در جامعه خواهد شد که نهادها و سیاست‌های دولتی و چارچوب‌های حقوقی موجود به عنوان مشوق فعالیت‌های کارآفرینی عمل نمایند. در این صورت سازوکارهایی به وجود خواهد آمد که باعث ایجاد فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای می‌شود که اثرات مثبتی را در جامعه بر جای می‌گذارد که این خود موجب توسعه پایدار اقتصادی در جامعه خواهد شد.



شکل ۱- مدل تبیین ارتباط کارآفرینی و توسعه اقتصادی (توما و همکاران، ۲۰۱۳)

هر جامعه نیازمند کارآفرینان است و این کارآفرینان در صورتی پا به عرصه می‌گذارند که نیازهایشان رفع شود. وضعیت بهینه این است که در یک کشور همزمان سنت کارآفرینی و آموزش کارآفرینانه در داخل خود کشور رواج یابد. در این حالت، یک پارادوکس شکل می‌گیرد؛ کشورهایی با سابقه قرن‌ها کارآفرینی (با مردمانی که تجارت آزاد در خونشان است) از نسلی به نسل بعد انتقال می‌یابند و منابع مهم خود را به آموزش رسمی کارآفرینی در مدارس و دانشگاه‌ها اختصاص می‌دهند. در این مورد، برخی کشورها به رشد عالی در این زمینه رسیدند نظیر انگلیس، آمریکا (توما و همکاران، ۲۰۱۳).

این محیط مطلوب پتانسیل کارآفرینانه مناسبی خلق می‌کند (برای مثال بخش زیادی از جمعیت فعال کارآفرینی را به عنوان گزینه ای مهم در نظر می‌گیرند). وقتی این پتانسیل محقق شود، شرایط مساعدی از لحاظ ایجاد فرصت‌ها و بازارهای مناسب به وجود می‌آید. از سوی دیگر، سیاست‌ها و نهادهای دولتی هم نقشی حیاتی در تدوین قوانین این بازی و خلق سازوکارهایی به‌منظور پیشرفت بازار و تامین مالی ایفا می‌کنند. علاوه بر این، مجموعه کامل و پایداری از قوانین هم باید تدوین شود تا دولت‌ها را به انجام سودآوری و کارآفرینی ترغیب کند. همزمان سیاست پولی هم باید با دقت فراوانی سازماندهی و ارزش‌گذاری شود و تا حد ممکن و تنها در شرایطی دستخوش اصلاحات و تغییراتی بسیار جدی قرار گیرد (های، ۲۰۰۹).

یکی از ویژگی‌های خاص مدل در خصوص نهادهای مالی این است که، یک اقتصاد بازار آزاد تازه تاسیس خطرات بیشتری برای سرمایه‌گذاران و هزینه‌های سرمایه بیشتر به بار می‌آورد و حتی باعث نارضایتی شدید بانک‌ها در ارائه اعتبار هم می‌شود. این وضعیت مشکلاتی برای سرمایه‌گذاران به بار می‌آورد و دولت باید اقداماتی برای رفع این مشکل انجام دهد. اگر این کار صورت نگیرد، اقتصاد دچار شکست می‌شود. از سوی دیگر، در دوره پرآشوب این چینی که موضوعات نامشخص و رفتارهای غلط مطرح می‌شود، وجود یک داور مستقل و بی‌طرف، امری ضروری است. در این شرایط اگر داور از قوانین اطاعت نکند و یا حتی در طول بازی قوانین را تغییر دهد، پیشرفت جامعه به امری غیرممکن بدل می‌شود. اگر شرایط فراهم شود، در جامعه تجارت پایدار و سالمی گسترش می‌یابد و رشد و توسعه اقتصادی نیز محقق می‌شود.

نتیجه‌گیری

هر دو مفهوم کارآفرینی و توسعه اقتصادی، از موضوعات مهم مطالعاتی کارشناسان در سراسر جهان می‌باشند. کارآفرینی یک فرآیند خلاقانه انسانی است، فرآیندی که منابع را از یک سطح بهره‌وری به سطح عالی دیگری انتقال می‌دهد. ذات کارآفرینی، حرکت هوشمندانه و درست و عمل کردن به عنوان عاملی برای بروز تغییر است (توما و همکاران، ۲۰۱۳). توسعه اقتصادی یعنی فرآیند تبدیل ساختاری یک اقتصاد به سمت یک اقتصاد پیشرفته معاصر و به روز بر اساس خدمات و تولیدات (نائود، ۲۰۰۸). بنابراین می‌توان گفت، توسعه کارآفرینی نقش مؤثری برای حضور فعال در بازارهای جهانی (جهانی شدن)، اشتغال‌زایی پایدار، توسعه عدالت، کاهش فقر و حل مشکلات جامعه، دولت و بخش عمومی ایفا می‌کند. کارآفرینی به عنوان راهبردی توسعه محور در محیط اقتصادی در حال تغییر امروز اهمیت خاصی یافته است، به طوری که بسیاری از شرکت‌های بزرگ دنیا برای حل مشکلات خود از کارآفرینی استفاده کرده‌اند. نقش کارآفرین در توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال در جامعه باید به صورت یک باور همگانی درآید و این اعتقاد به وجود آید که در دنیای امروز و در «اقتصاد دانش محور» رشد و توسعه از طریق نوآوری و خلاقیت امکان‌پذیر است و این کارآفرینان هستند که با تخصیص مجدد منابع از کاربری‌های نه چندان بهره‌ور به کاربری‌های بهره‌ور و شناسایی فرصت‌های بازار، به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کنند. آن‌ها با شناسایی بهترین راه استفاده از منابع کمیاب برای پاسخ به خواسته‌های نامحدود بشری نقش به‌سزایی را در شکوفایی اقتصاد کشورها ایفا می‌کنند، با نوآوری‌های آن‌ها، تقاضا و عرضه محصول و به تبع آن اشتغال افزایش می‌یابد، که موجب بهبود وضعیت زندگی افراد و توسعه اقتصادی جوامع خواهد شد. به طور کلی راه شکوفایی اقتصادی و توسعه صنعتی در گروی توسعه کارآفرینی است. برای ترویج کارآفرینی در کشور باید منابع مهمی را به آموزش رسمی کارآفرینی در مدارس و دانشگاه‌ها اختصاص دهیم. اگر بتوانیم شرایط مناسبی را برای کارآفرینان کشور فراهم کنیم در جامعه تجارت پایدار و سالمی گسترش می‌یابد و رشد و توسعه اقتصادی محقق می‌شود، بنابراین می‌توان گفت کارآفرینی نقش کلیدی در توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. همانطور که در مدل مقاله اشاره می‌کند، در جامعه باید فعالیت‌های کارآفرینی ایجاد کنیم که بتوانند پایا باشند، برای ایجاد چنین فعالیت‌هایی باید از آموزش، سنت کارآفرینی، زیر ساخت و حمایت‌های دولتی استفاده کنیم تا توسعه اقتصادی محقق شود.

منابع

1. Ahmadpoor Daryani, M. 2005. Entrepreneurship: definition, theories, models. 2th ed. Pardis Company 57. Tehran, 156 p. (In Persian).
2. Ács, Z.J., and Szerb, L. 2010. The Global Entrepreneurship and Development Index (GEDI), DRUID Conference, London.
3. Ghaffari, M. 2004. Sociology of Development. Tehran. Kihan, pp: 44-61. (In Persian).
4. Alwani, M. 2007. General Manager: Reed Publishing. 440 p. (In Persian).
5. Barzoki, A. and Timor, C. 2005. Relationship between Entrepreneurship and Innovation in Micro and Macro levels. Proceedings of the First International Conference on Management of change. Isfahan University. (In Persian).
6. Baum, R.J., Frese, M., and Baron, R. 2007. The Psychology of Entrepreneurship. Lawrence Erlbaum Associates, New York.
7. Baumol, W.J. 1990. Entrepreneurship, Productive, Unproductive, and Destructive. Journal of Political Economy, 98(5): 893-921.
8. Cole, H. 1968. The Entrepreneur Introductory Remarks, American Review of Economics, 8(2): 64-71.
9. Ghobadi, O. and Ghodrati, A. 2010. Barriers to Entrepreneurship Development in Iran. Research project, 18p. (In Persian).
10. Harper, D.A. 2003. Foundations of Entrepreneurship and Economic Development, Rutledge, London, 280p.
11. Hashemi, H. 2007. View of Entrepreneurship in the World, the Institute of Labor and Social Security. (In Persian).
12. High, J. 2009. Entrepreneurship and Economic Growth: the theory of Emergent Institutions, The Quarterly Journal of Austrian Economics, 12(3):45-68.
13. Khanifar, H. and Vakili, F. 2008. The Relationship between Organizational Structure and Economic Entrepreneurship and Small and Medium Enterprises. Journal of Entrepreneurship, 1(2): 35-55. (In Persian).
14. Kirzner, I.M. 1973. Competition and Entrepreneurship. University of Chicago Press, Chicago, 248p.
15. Kressel, H., Lento, T.V. 2012. Entrepreneurship in the Global Economy Engine for Economic Growth. Cambridge University Press, Cambridge, 266p.
16. Naiemi, A. PezeshkiRad, GR. and Chizari, M. 2008. Take on the Role of Entrepreneurship in Ayjadashtghal. The first Conference on Innovation and Entrepreneurship. (In Persian).
17. Naudé, W. 2013. Entrepreneurship and Economic Development Theory, Evidence and Policy, IZA DP no. 7507, <http://ftp.iza.org/dp7507.pdf>.
18. Naudé, W. (Ed). 2011. Entrepreneurship and Economic Development. Palgrave Macmillan, NewYork, 304p.
19. Naudé, W. 2008. Entrepreneurship in Economic Development, UNU-WIDER, Research Paper No. 2008.20, p. 47.

20. OECD. 2008. Measuring Entrepreneurship a Digest of Indicators. OECD, Paris, www.oecd.org.
21. Pandeti, C.M. 2005. A Study on Entrepreneurial Behavior of Farmers in Raichur District of Karnataka, Thesis Submitted to the University of Agricultural Sciences, Dharwad in Partial fulfillment of the requirements for the Degree of Master of Science (Agriculture), College of Agriculture, Dharwad. 132p.
22. Schumpeter, J. 1911. The theory of economic development, Cambridge. MA Harvard University Press. (Revised editions in 1961).
23. Shane, S. (Ed). 2005. Economic Development through Entrepreneurship. Government, University and Business Linkages, Edward Elgar, Cheltenham, 265p.
24. Szirmai, A., Naudé, W., and Goedhuys, M. (eds.) 2011. Entrepreneurship, Innovation, and Economic Development. Oxford University Press, Oxford, 256p.
25. Thomson, H., Ribeiro-Soriano, D., and Urbano, D. 2011. Socio-cultural Factors and Entrepreneurial Activity An overview International Small Business Journal, 29(2):105–118.
26. Toma, S.G., Grigore, A.M., and Marines, P. 2013. Economic Development and Entrepreneurship. Procedia Economics and Finance 8(2): 436–443.
27. Wennekers S., and Thurik, R. 1999. Linking Entrepreneurship and Economic Growth. Small Business Economics 13, (3): 27–55.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 1 (4), 2015
<http://jead.gau.ac.ir>

The Study of the Role of Entrepreneurship in Economic Development

F. Faraji¹, *T. Ehsanifar², N. Naderi³ and B. Rezaee³

¹Graduate Student, Dept. of, Entrepreneurship Management, Faculty of Social Sciences, Razi University, ² Graduate Student, Dept. of, Entrepreneurship Management, Faculty of Social Sciences, Razi University, ³Assistant prof, Dept. of, Entrepreneurship Management, Faculty of Social Sciences, Razi University.

Received: 28/2/2015; Accepted: 19/3/2015

Abstract

Entrepreneurship as a strategy for developing countries, creating jobs and prosperity, identifying opportunities and increase production counts, Because it demands innovation for new products and services that previously did not exist and thus brings about the new product will increase and increase employment and improve the living conditions of the population. As the statistics show that in developed countries and developing the SME share in GDP are significant. If the United States for more than half of GDP and exports are done by SME's .Today, organizations and governments to make entrepreneurship more important and economic prosperity depends on the development of entrepreneurial know. Thus, given that entrepreneurship is a key factor in the economic development of a society is considered, the purpose of this paper is a brief review of the concepts of entrepreneurship and economic development, with emphasis on the role of entrepreneurship in economic development using the model proposed by Toma et al. On some of the main factors involved in the relationship between entrepreneurship and economic development emphasizes. The model is presented in the paper, to achieve sustainable economic development in the community to create entrepreneurial activities and for such activities should be educated, entrepreneurial tradition, we use the following construction and government support to achieve economic development.

Keywords: Entrepreneur, Entrepreneurship, Development, Economic Development.

*Corresponding author; tahmineh.ehsanifar@gmail.com